

ماهیت و اوصاف قرارداد بهره‌برداری از معدن

حمزه امینی نسب^۱
عباس میرشکاری^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱۲

چکیده

وجود ذخایر معدنی عظیم و متنوع در کشور و نیاز به بهره‌برداری از معادن برای تأمین مواد اولیه صنایع، تولید و درآمدزایی از یک سو و لزوم توجه به ملاحظات زیست محیطی، توزیع عادلانه ثروت، رعایت عدالت بین نسلی و مهار بهره‌برداری بی‌رویه معادن از سوی دیگر، ارائه چارچوبی حقوقی را برای بهره‌برداری مطلوب از معادن ضروری می‌سازد. از این رو تحلیل حقوقی قرارداد بهره‌برداری از معدن به‌عنوان فرآیندی برای واگذاری معادن اهمیت می‌یابد. وانگهی، آثار حقوقی قرارداد با توجه به ماهیت و اوصاف ترسیم شده برای آن تعیین می‌گردد. قرارداد بهره‌برداری از معدن، قراردادی است که به‌موجب آن بهره‌برداری از معدنی مشخص و در مدتی معین به متقاضی بهره‌برداری واگذار می‌شود. در تبیین ماهیت این قرارداد، نظریات مختلفی چون اجاره، جعاله، اذن در انتفاع و حق انتفاع قابل طرح و بررسی خواهند بود. قرارداد بهره‌برداری از معدن، قراردادی لازم و قابل انتقال است. الحاقی و تشریفاتی بودن نیز از دیگر اوصاف آن به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: بهره‌برداری از معدن، حقوق معادن، قرارداد بهره‌برداری از معدن، معدن، واگذاری معدن.

مقدمه

برای پاسخ به مسائل فوق، این نوشتار می‌کوشد تا نظریه‌های ارائه شده در مورد ماهیت حقوقی قرارداد بهره‌برداری از معدن را ارزیابی و اوصاف آن را از نظر بگذراند.

ماهیت قرارداد بهره‌برداری از معدن

در توجیه ماهیت قرارداد مذکور، نظریات مختلفی قابل طرح و بررسی است؛ اما پیش از بررسی این دیدگاه‌ها، لازم است به نظام حقوقی حاکم بر مالکیت معدن اشاره شود؛ زیرا برای انعقاد قرارداد بهره‌برداری از معدن، ابتدا باید مشخص شود که چه شخص یا مقامی حق انعقاد چنین قراردادی دارد. به این ترتیب نقش دولت در این قرارداد، اهمیت پیدا می‌کند. از طرفی، شناخت مالکیت معدن، نتایج فراوانی در تعیین و تغییر آثار قرارداد خواهد داشت. نظر به این که قوانین کشور ما متأثر از آرای فقهی است ابتدا نظرات فقها و سپس موضع قانونگذار بیان می‌شود.

در خصوص مالکیت معدن از جانب فقها، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. این نظرات را می‌توان در چهار دسته ارائه نمود:

۱- گروهی از فقها، معدن را مطلقاً جزو انفال دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۵۳۸؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۴۱۹؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ۳/۳۳۸). آنان در این نظر خود بین معدن ظاهری و باطنی و همچنین معدن واقع در اراضی انفال یا معدنی که در ملک شخصی یافت شود، تفاوتی نمی‌گذارند (سبزواری، ۱۴۲۳: ۱/۲۱۷؛ آل عصفور بحرانی، ۱۴۰۵: ۲/۴۸۰؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۱۰/۱۶۳؛ نجفی (کاشف‌الغطاء)، ۱۴۲۲: ۴/۲۱۴؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۳۶۵؛ خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰/۴۰۲؛ صدر، ۱۴۰۳: ۸۸؛ منتظری، ۱۴۰۹: ۳/۴؛ همان، بی‌تا: ۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۶: ۶۰۴).

۲- گروهی از فقها، معدن را به‌طور کلی، در زمره مشترکات می‌دانند که به‌طور یکسان به همه مردم تعلق دارد. از نظر آنان، مردم در معدن مساوی‌اند (سوره بقره: ۲۹) و هر کس به‌اندازه حاجت خود، حق برداشت از آن‌ها را دارد (حلی (محقق)، ۱۴۱۸: ۱/۶۴؛ آبی، ۱۴۱۷: ۱/۲۷۱؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۲: ۳۵۲؛ عاملی (شیخ بهایی)، ۱۴۲۹: ۶۰۲). به اعتقاد آنان مقتضای اصل، اباحه استفاده از حقوق طبیعی و خدادادی است (کاشانی (فیض)، ۱۴۲۶: ۳/۲۴؛ حائری (صاحب ریاض)، ۱۴۱۸: ۵/۲۵۷). این اصل با عموماتی چون «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» نیز موافق است.^۲

۳- برخی از فقها مالکیت معدن را تابع مالکیت

معدن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تولید و زیرساخت ثروت، جایگاه مهمی در اقتصاد کشورها دارند. وجود منابع عظیم معدنی در ایران، موقعیتی بارز و تعیین‌کننده را برای این کشور در پی داشته است. کشور ما با مساحتی حدود ۳۲٪ درصد از کل مساحت زمین، دارای میلیاردها تن ذخیره معدنی متنوع است (اسلامی پناه، ۱۳۸۲: ۱۱)؛ اما علی‌رغم اهمیت معدن و سابقه طولانی ابتلای کشور به مسائل و دعاوی حوزه حقوق معدن، پژوهش‌های حقوقی چندانی در این زمینه صورت نگرفته و ادبیات حقوقی این رشته به‌تناسب رشد نکرده است. در حوزه معدن، فعالیت‌های مختلفی همچون اکتشاف، تجهیز، آماده‌سازی، بهره‌برداری، فرآوری مواد معدنی و... انجام می‌گیرد؛ اما بدون شک عملیات «بهره‌برداری» مهم‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌رود؛ به‌طوری که قانونگذار ایران، فصل سوم قانون معدن را به «بهره‌برداری» اختصاص داده است. بهره‌برداری، «مجموعه عملیاتی است که به‌منظور استخراج، کانه‌آرایی و به دست آوردن مواد معدنی قابل فروش انجام می‌گیرد».^۱ این عملیات مهم، با انعقاد قراردادی فی‌مابین متقاضی بهره‌برداری و دولت (وزارت صنعت، معدن و تجارت) انجام می‌گیرد و به‌موجب آن بهره‌برداری از معدنی معین و در مدتی مشخص به بهره‌بردار واگذار می‌شود. یکی از ابعاد مهمی که در بررسی این قرارداد وجود دارد، تعیین ماهیت حقوقی آن است. چه آنکه شناخت ماهیت یک نهاد حقوقی، نقش مهمی در تعیین شرایط و آثار آن دارد. از سویی کارآمدی اقتصادی و زیست‌محیطی بهره‌برداری از معدن، بسته به چارچوب حقوقی ترسیم شده برای آن است.

تحلیل اوصاف قرارداد بهره‌برداری از معدن نیز سهم مهمی در تبیین نقاط مبهم این قرارداد دارد. با توجه به شناخته شدن دولت به‌عنوان متولی امر معدن، نقش و دخالت آن در انعقاد قرارداد بهره‌برداری از معدن، این سؤال مطرح می‌شود که آیا دولت می‌تواند قرارداد را به‌صورت یک‌جانبه فسخ نموده، معدن را از بهره‌بردار پس گیرد؟ پاسخ به این سؤال که در واقع وصف لزوم یا جواز قرارداد را مشخص می‌کند، با توجه به حجم سنگین سرمایه‌گذاری در این قرارداد از اهمیت بسزایی برخوردار است. افزون بر این باید دید آیا حق بهره‌برداری از معدن قائم به شخص است یا این که بهره‌بردار می‌تواند موقعیت قراردادی خود را به دیگری انتقال دهد؟ همچنین وصف دیگری که باید روشن شود ساده یا تشریفاتی بودن قرارداد است و مهم‌تر آنکه در صورت اخیر چه ضمانت اجرایی برای عدم رعایت این تشریفات قابل اعمال است.

۱. بند (ع) ماده ۱ قانون اصلاح قانون معدن، مصوب ۱۳۹۰

۲. با این حال تمسک به اصل در جایی صحیح است که دلیلی بر خلاف آن نباشد (الاصل دلیل حیث لا دلیل) لذا وجود ادله انفال، جایی برای استناد به اصل باقی نمی‌گذارد.

باطنی و یا ظاهری بودن یا قرار گرفتن معدن در املاک خصوصی و عمومی وجود ندارد.^۷
به هر روی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نهایت به این اختلافات فیصله داد و معادن را در زمره انفال و اموال عمومی قرار داد.^۸
در بیشتر کشورهای جهان نیز مالکیت معادن در اختیار دولت نگه داشته شده است، صرف نظر از این که در اراضی خصوصی^۹ یا عمومی باشند. (Enviro-mental Defender's Office of Western Australia (Inc.), 2011: 3; Richer, 2013: 50

البته این مالکیت بر خلاف مالکیت خصوصی، بیشتر از جهت اعمال حاکمیت، مدیریت و اشراف دولت است تا اعمال حقوق مالکانه (امینی نسب، ۱۳۸۹: ۲۸۴) در همین راستا ماده ۲ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰، صراحتاً اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی را به معنای اعمال حاکمیت دولت معنی کرده است. این اعمال حاکمیت مانع از شناسایی حقوق قانونی برای معدن کاران نمی‌شود؛ ولی اعمال حاکمیت دولت بر حق خصوصی اشخاص در موارد حفظ منافع عمومی حکومت دارد (کنعانی، ۱۳۸۹: ۲۸۷).

پس از این بررسی اجمالی در خصوص مالکیت معادن و شناخت دولت به عنوان متولی امر معدن، باید گفت که دولت، یا خود، به انجام عملیات بهره‌برداری از معدن، اقدام می‌کند و یا ممکن است در عین حفظ مالکیت عمومی معادن، بهره‌برداری آن را به دیگران واگذار نماید که در این صورت لازم است با آنان قرارداد منعقد کند. این قرارداد، همان «قرارداد بهره‌برداری از معدن» است که در سطور پیش رو، ماهیت حقوقی آن با توجه به نهادهای مختلف تحلیل می‌شود.

اجاره

در نوشته‌های فقهی، اجاره اشخاص یکی از قالب‌هایی است که برای قرارداد بهره‌برداری از معدن، مطرح شده است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۲۸۰؛ طرابلسی (قاضی ابن براج)، ۱۴۰۶: ۲/۳۶؛ حلی (یحیی بن سعید)، ۱۴۰۵: ۳۷۶؛ علامه حلی، ۱۳۸۸: ۴۰۴؛ همان: ۱۴۲۰: ۴/۴۹۴؛ همان: ۱۴۱۳: ۱۴۰۹).

– مؤتقی إسحاق بن عماره آلتی ورد فیها قوله: «سألت أبا عبد الله عن الأنفال؟ فقال: هي القرى آلتی خربت. إلى أن قال: و كل أرض لا رب لها و المعادن منها» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵۳۱/۹).

۷. به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی، «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراعی که حریم نیست، ارب بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند».

8. private lands.

9. crown(public) lands.

زمینی که معدن در آن قرار دارد، دانسته‌اند.^۳ (حلی (ابن ادریس)، ۱۴۱۰: ۱/۴۹۷؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۷: ۲/۶۳۴؛ حلی (علامه)، ۱۴۲۰: ۱/۴۴۳؛ همان، ۱۴۱۲: ۸/۵۱۲). از نظر آنان معادنی که در زمین امام است جزو انفال است و معادنی که در غیر زمین امام قرار دارد، اگر زمین، متعلق به مسلمین است، معدن واقع در آن نیز متعلق به مسلمین است و اگر ملک شخصی است، برای اوست (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۷/۹۲؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۲/۱۳۴؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۹/۶۰۳؛ خوئی، بی‌تا: ۶۷ و ۳۶۳؛ خمینی، بی‌تا: ۱/۳۶۹).

۴- سرانجام، گروهی از فقیهان بین معادن ظاهری و باطنی^۴ در این مسئله تفصیل داده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۲۷۴؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۸: ۳/۲۲۲؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ۲/۲۷۱). این گروه معتقدند مسلمانان در معادن ظاهری، مشترک و مساوی‌اند؛ ولی معادن باطنی، در حکم زمین‌های موات است؛ یعنی هر کس آن را احیا کند، مالک آن می‌شود و حاکم می‌تواند بهره‌برداری از آن را به صورت اقطاع و اگنارد^۵ (حلی (ابن فهد)، ۱۴۰۷: ۱/۵۶۷؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰: ۲۲۹؛ همان، ۱۴۱۷: ۳/۶۷؛ نجفی (صاحب جواهر)، ۱۴۰۴: ۳۸/۱۰۸؛ صدر، ۱۴۱۷: ۴۷۱).

با ملاحظه مواضع فقها در خصوص مالکیت معادن، روشن می‌شود که بیشتر آنان قول اول را پذیرفته‌اند به گونه‌ای که می‌توان آن را اشهر اقوال دانست (امینی نسب، ۱۳۹۴: ۱۸). اکثر ادله این قول نیز، روایاتی است که از ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) در مورد انفال، نقل شده و معادن را یکی از مصادیق آن دانسته است^۶ در این روایات، معادن مطلقاً از انفال شناخته شده و تفصیلی در

۳. «و المعادن إنما هو فيما يكون في أرضه المختصة به، أما ما كان في أرض المسلمين المشتركة، أو لملك معروف، فلا اختصاص له عليه السلام به و هو قوی» (حلی (علامه)، ۱۴۲۰: ۴۳۳/۱).

۴. در رابطه با تقسیم معادن به ظاهری و باطنی، دو معیار اساسی وجود دارد:

مطابق معیار اول، تفاوت معادن ظاهری و باطنی به «مکان» معدن، برمی‌گردد؛ بنابراین اگر معدن در زیر سطح زمین واقع شده باشد، باطنی است و اگر روی سطح زمین باشد، ظاهری است؛ اگرچه نیاز به پالایش و فرآوری داشته باشد و واضح است که این ملاک، از معنای لغوی کلمه «ظاهری» و «باطنی» ناشی می‌شود.

اما معیار دوم، عامل تقسیم معادن را به ظاهری و باطنی در «طبیعت و ترکیب» خود معدن می‌داند نه مکان وقوع آن. بر این اساس معادنی که نیاز به پالایش و فرآوری و انجام عملیات فنی داشته باشند، باطنی است و اگر نه ظاهری محسوب می‌شود؛ اگرچه در باطن (زیر سطح) زمین واقع شده باشد (مظفر، ۱۳۹۲: ۲۴۸).

۵. المعادن الظاهرة لا تملك بالاحياء و الناس فيها تسرع فتمن سبق الیها کان له اخذ حاجته منها و المعادن الباطنة تملك بالاحياء و لو اقطعها الإمام صح (حلی (علامه)، ۱۳۸۸: ۴۰۳).

۶. از جمله این روایات:

– خیر داود ابن فرقد فی حدیث له عن الإمام الصادق: «قلت: و ما الأنفال؟ قال: بطون الأودية و رعوس الجبال و الأجسام و المعادن و كل أرض لم یوجف علیها بخیل و لا ركاب و...»

– خیر ابی بصیر عن ابی جعفر أیضا: «قال: لنا الأنفال، قلت: و ما الأنفال؟ قال: منها المعادن و الأجسام و كل أرض لا رب لها».

(riam-webster.com)

۲/۲۷۳؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۷/۵۱.

در حقوق مصر^{۱۷} نیز از قرارداد بهره‌برداری از معدن^{۱۸} نام برده شده و با توجه به الزام بهره‌بردار به پرداخت اجاره بها، به نظر می‌رسد قانونگذار مصر نیز، قالب اجاره را برای این قرارداد در نظر داشته است.

اما این تحلیل نسبت به ماهیت قرارداد بهره‌برداری از معدن در حقوق ایران قابل پذیرش نیست؛ زیرا عقد اجاره، مفید تملیک منافع به مستأجر است؛ در حالی که در قرارداد بهره‌برداری معدن، صرفاً حق بهره‌برداری از معدن به بهره‌بردار واگذار می‌شود و به هیچ وجه مالک منافع معدن نمی‌گردد. افزون بر این، قرارداد اجاره مخصوص اموال قابل بقا است^{۱۹}؛ این در حالی است که ماده معدنی که در قالب قرارداد بهره‌برداری به بهره‌بردار واگذار می‌شود، مال مصرف شدنی است. با توجه به این نکته پذیرفتن قرارداد بهره‌برداری به‌عنوان اجاره اشیاء دشوار است.

اذن در انتفاع

ممکن است در تحلیل ماهیت قرارداد بهره‌برداری از معدن، گفته شود، قراردادی است که به‌موجب آن، به بهره‌بردار اذن در انتفاع از معدن داده می‌شود.

اما این تحلیل با این ایراد روبروست که عقد متضمن اذن در انتفاع، عقدی جایز است و مالک هر زمان می‌تواند از آن رجوع کند.^{۲۰} در واقع اذن در انتفاع تابع اراده مالک است و او ملزم نیست که بر سر اذن خود باقی بماند.

از طرفی، اذن در انتفاع برای مالک تکلیفی ایجاد نمی‌کند و تعهدی برای فراهم ساختن وسایل انتفاع طرف ندارد؛ بلکه اثر اذن او تنها مباح ساختن تصرف مأذون است؛ به عبارت دیگر اثر اذن، ایجاد اباحه است نه ایجاد تکلیف و التزام و به همین دلیل هر لحظه از طرف مالک قابل رجوع است.

این در حالی است که اولاً؛ قرارداد بهره‌داری از معدن همان طور که در اوصاف آن خواهد آمد، قراردادی لازم است و دولت نمی‌تواند یک‌جانبه از آن رجوع کند. ثانیاً تعهدات قرارداد تنها متوجه بهره‌بردار نیست؛ بلکه برای دولت نیز تعهداتی به دنبال دارد.

جماله

نظر دیگری که در باب ماهیت قرارداد بهره‌برداری از

۱۷. قانون رقم ۶۶ لسنة ۱۹۵۳ خاص بالمناجم والمحاجر، الوقائع المصرية، العدد ۱۶ مکرر فی ۱۹ فبرایر، سنة ۱۹۵۳.

۱۸. «عقد استغلال المنجم»

۱۹. «برای صحت اجاره باید انتفاع از عین مستأجره با بقای اصل آن ممکن باشد»، ماده ۴۷۱ قانون مدنی

۲۰. مواد ۱۰۸، ۱۲۰ و ۶۳۸ قانون مدنی

بر این اساس، گفته می‌شود که مالک معدن می‌تواند به‌منظور استخراج معدن، با دیگری قرارداد اجاره منعقد کند. بدین صورت که شخصی را اجیر کند تا عملیات بهره‌برداری را انجام دهد. در این صورت لازم است مدت اجاره یا عملی که اجیر انجام می‌دهد، مانند حفاری یک زراع مشخص از معدن، معلوم باشد^{۲۱} (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷: ۳/۶۸؛ نجفی (صاحب جواهر)؛ ۱۴۰۴: ۳۸/۱۱۵؛ بصری بحرانی، ۱۴۰۴: ۵/۲۳۶؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۷/۳۵۰).

قاعدتاً در نظم حقوقی نیز قابل تصور است که بهره‌بردار، شخصی را اجاره کند تا عملیات بهره‌برداری را انجام دهد؛ اما مسلماً قرارداد بهره‌برداری از معدن آن‌گونه که از قانون معادن بر می‌آید با اجاره اشخاص تطبیق نمی‌کند؛ چرا که بهره‌بردار اجیر دولت نیست و آنچه را که استخراج می‌کند نه به دولت، بلکه به خود او تعلق دارد.

با توجه به این سخن، باید دید که آیا قرارداد یاد شده را می‌توان در قالب اجاره اشیاء قرار داد؟ بدین معنا که دولت، معدن را به بهره‌بردار اجاره می‌دهد و در برابر آن، اجاره‌بهایی را که در قانون معادن حقوق دولتی نامیده می‌شود دریافت می‌کند. پیش از پاسخ به این پرسش، گفتنی است که در نظام حقوقی کامن لا قرارداد بهره‌برداری از معدن در قالب اجاره^{۲۲} منعقد می‌گردد. اجاره معدن، قراردادی برای معدنکاری^{۲۳} و استخراج مواد معدنی^{۲۴} یا سایر ذخیره‌های یک معدن است که تحت شرایط خاصی مانند میزان و نوع عملیاتی که باید انجام شود، مدت بهره‌برداری و... منعقد می‌شود. این قرارداد به بهره‌بردار حق انحصاری برای استخراج مواد معدنی را در یک محدوده مشخص اعطا می‌کند.^{۲۵} در مقابل، موجر بر مبنای میزان ماده بهره‌برداری شده، مستحق دریافت اجاره بهای قطعی^{۲۶} یا حقوق دولتی^{۲۷} می‌گردد.

(Davies, 2011: 25; Richer, 2013: 50; ashurst, 20) 13: 8; Chambers, 2005: http://thefreedictionary.com; http://definitions.uslegal.com; http://mer-

۱۰. و أما إذا استأجره لإخراج شيء من المعدن فإنه ينظر، فإن استأجره مدة معلومة صحت الإجارة، وإن كان العمل معلوماً مثل أن يقول تحفر لي كذا ذراعاً صح ذلك إذا كانت الأجرة معلومة (طوسي، ۱۳۸۷: ۳/۲۸۰).

11. mining lease
12. mining
13. extraction of minerals
14. a mining lease gives the holder the exclusive right to mine for minerals
15. a mining lease gives the holder the exclusive right to mine for minerals
16. royalty

قالب حق انتفاع، با ایرادات زیر روبروست:
نخست آنکه به موجب ماده ۴۶ ق.م. «حق انتفاع ممکن است فقط نسبت به مالی برقرار شود که استفاده از آن با بقای عین ممکن باشد اعم از اینکه مال مزبور منقول باشد یا غیرمنقول و مشاع باشد یا مفروز.»
به عبارتی واگذاری حق انتفاع تنها در خصوص اموال «قابل بقا» امکان‌پذیر است.

ممکن است گفته شود که در استنباط از اموال قابل بقا باید تجدیدنظر کرد. «بی‌گمان غالب اموال قابل بقا نیز در اثر استعمال مکرر فرسوده می‌شود و قابلیت انتفاع را از دست می‌دهد؛ ولی امکان بهره‌برداری مکرر و طولانی از آن‌ها این گونه اموال را از دسته نخست ممتاز می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۴)؛ بنابراین در مقام تعیین ماهیت معدن باید گفت که هرچند معدن نیز با استفاده مکرر ذخیره خود را از دست داده و دیگر به‌عنوان معدن شناخته نمی‌شود اما چون امکان بهره‌برداری مکرر را دارد باید همچنان آن را مال قابل بقا و واگذاری حق انتفاع آن را صحیح دانست. (شهسوار و میرشکاری، ۱۳۸۹: ۸۵)

اما به نظر می‌رسد معدن را باید جزو اموال مصرف شدنی و غیرقابل بقا محسوب کرد؛ زیرا با بهره‌برداری از معدن، ذخیره معدن به اتمام رسیده و با اتمام ذخیره نیز عمر معدن تمام شده محسوب می‌شود؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد تحلیل بهره‌برداری به‌عنوان حق انتفاع (آن‌گونه که قانون مدنی آن را می‌شناساند) صحیح باشد. دوم؛ قانون معادن با اعطای حق انتفاع معادن در تعارض با قانون اساسی گام برداشته است؛ چرا که همان‌طور که دیدیم، به موجب قانون اساسی، معادن جزو اموال عمومی و متعلق به همه اتباع کشور بوده و بهره‌برداری از آن‌ها باید بر اساس عدالت و توزیع عادلانه منابع ثروت صورت پذیرد؛ اما واگذاری بهره‌برداری معادن به بهره‌بردار خاص، موجب ایجاد امتیاز انحصاری برای شخص یا اشخاصی خاص و محروم شدن دیگران از این اموال عمومی می‌گردد. این امر به همان اندازه ناگوار است که اعطای امتیاز معادن به بیگانگان در حکومت‌های پیشین ناگوار بود.

سوم؛ با توجه به محدود بودن مدت پروانه بهره‌برداری، بهره‌بردار حداکثر تلاش خود را برای استفاده از این حق اختصاصی می‌نماید! امری که جز استخراج بی‌رویه معدن، خام‌فروشی و از همه مهم‌تر تخریب روزافزون محیط زیست نتیجه‌ای به دنبال ندارد. از مباحث فوق روشن می‌شود که قرارداد بهره‌برداری از معدن تفاوت‌های اساسی با نهادهای حقوقی مطرح شده دارد که بدان ماهیت حقوقی خاص می‌بخشد؛ بنابراین با رد هرگونه قالب عقود معین، باید بر آن بود، قرارداد بهره‌برداری از معدن ماهیتی مستقل دارد که شرایط و آثار این قرارداد در قانون معادن و آیین

معدن ابراز شده، این است که این قرارداد تحت قالب عقد جعاله درآید (بوعلام، ۱۳۸۹: ۳۰؛ امانی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). برخی فقها نیز استفاده از قرارداد جعاله را نیز برای استخراج معدن ممکن می‌دانند.^{۲۱}

نقدی که به اجاره تلقی نمودن قرارداد بهره‌برداری از معدن وارد شد، در اینجا نیز وارد است؛ زیرا جعاله معدن بدین معناست که عامل برای مالک به استخراج معدن پردازد و در پایان، ماحصل به مالک تعلق دارد و عامل نیز مستحق اجرت خویش است. این در حالی است که در قرارداد بهره‌برداری از معدن، بهره‌بردار نه برای دولت، بلکه برای خود، عملیات بهره‌برداری را انجام می‌دهد و آنچه استخراج می‌کند به خود او تعلق دارد.

ایراد دیگر این نظر آن است که جعاله بین طرفین جایز^{۲۲} است اما از آنجا که قرارداد بهره‌برداری از معدن، قراردادی لازم محسوب می‌شود، نمی‌توان از قالب جعاله برای توجیه ماهیت آن یاری جست.

حق انتفاع

در نهایت، تحلیلی که می‌توان از ماهیت حقوقی قرارداد بهره‌برداری از معدن ارائه داد، «حق انتفاع» است. حق انتفاع، قالبی است که قانون‌گذار برای این قرارداد پذیرفته است. چه آنکه به موجب ماده ۹ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰، پروانه بهره‌برداری متضمن «حق انتفاع» دارنده پروانه از ذخیره معدنی مندرج در آن می‌باشد.

بر این اساس، قرارداد بهره‌برداری از معدن نوعی «حق انتفاع است»^{۲۳} که انتفاع از معدنی مشخص را به بهره‌بردار اعطا می‌کند و با توجه به محدود بودن مدت انتفاع، در قالب «رقبی» قرار می‌گیرد.^{۲۴} با این حال، تحلیل قرارداد بهره‌برداری از معدن در

۲۱. در این میان گروهی معتقدند که در جعاله باید اجرت معلوم باشد و برای همین نمی‌توان اجرت را بخشی از مواد مستخرجه قرار داد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲۷۱/۲). در مقابل، گروه دیگری از فقها معلوم بودن عوض در جعاله را ضروری نمی‌دانند؛ بنابراین از نظر آنان در صورتی که عوض جعاله بخشی از حاصل استخراج باشد، محتمل است که جعاله صحیح باشد؛ زیرا جهالتی که در جعاله مانع از تسلیم عوض نشود، منجر به بطلان عقد نخواهد شد (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷: ۶۸/۳؛ نجفی (صاحب جواهر)، ۱۴۰۴: ۱۱۵/۳۸).

۲۲. به موجب ماده ۵۶۵ قانون مدنی، «جعاله تعهدی است جایز». نظر مشهور بر آن است که جعاله از عقود جایز است. به بیان دیگر این عقد برای هیچ یک از دو طرف لازم نیست و جاعل و عامل می‌توانند هر گاه که بخواهند و بدون این که نیاز به بهانه مشروع داشته باشند، آن را به هم بزنند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۶؛ محمد بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۳۲۲؛ محقق کرکی، ۱۴۱۰: ۱۸۹/۶؛ ابن فهد حلی، ۱۴۱۲: ۳۲۱).

۲۳. ماده ۴۰ قانون مدنی در تعریف حق انتفاع می‌گوید: «حق انتفاع عبارت از حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند.»

۲۴. بر اساس ماده ۴۲ قانون مدنی، «رقبی حق انتفاعی است که از طرف مالک برای مدت معینی برقرار می‌گردد.»

پروانه درج می‌شود، مدت بهره‌برداری از معدن است. حال، آیا قرارداد در طول این مدت لازم است و هیچ یک از طرفین حق رجوع از آن را ندارند؟ آیا دولت می‌تواند به‌طور یک‌جانبه قرارداد را فسخ کرده و معدن را از بهره‌بردار باز پس گیرد؟

بنا به دلایل ذیل باید بر آن بود که قرارداد بهره‌برداری از معدن، لازم است:

نخست؛ قانونگذار در هیچ از مواد قانون معادن، از جواز قرارداد سخن نگفته است. در این صورت اصل لزوم حاکم است.^{۲۵}

دوم؛ لازم بودن قرارداد از طرف وزارت، از ماده ۱۰ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۲۰ نیز قابل استنباط است. به موجب ماده مذکور، «دستگاه‌های دولتی تنها در صورت «وجود مجوز قانونی یا تصریح در قرارداد» می‌توانند قراردادها، تعهدات، توافقات، واگذاری‌ها، مجوزها و پروانه‌های قانونی صادر شده را لغو کنند یا تغییر دهند. در غیر این صورت اقدامات فوق مستلزم جلب رضایت اشخاص ذی‌نفع می‌باشد.»

بنابراین دولت تنها در صورتی می‌تواند قرارداد مورد بحث را فسخ کند که این امر در خود قرارداد پیش بینی شود یا این که دولت بر اساس قانون چنین حقی داشته باشد. تصریح در قرارداد تابع شرایط قرارداد است؛ اما موارد قانونی را باید در قانون معادن و آیین‌نامه آن یافت.^{۲۶}

با این حال، در خصوص جواز قرارداد از طرف بهره‌بردار، ممکن است به تبصره (ت) ماده ۵۴ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن مصوب ۱۳۹۲، استناد شود. در این تبصره از انصراف بهره‌بردار سخن گفته شده است. به موجب این ماده و تبصره آن، از جمله مواردی که معدن از ید بهره‌بردار متنوع می‌شود، انصراف بهره‌بردار است. امکان انصراف بهره‌بردار خود نشانگر جایز بودن

۲۵. به موجب ماده ۲۱۹ قانون مدنی، «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم مقام آن‌ها لازم الاتباع است، مگر این که به رضای طرفین اقاله و یا به علت قانونی فسخ شود.»

۲۶. ماده ۵۵ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، مواردی که موجب سلب صلاحیت بهره‌بردار و در نتیجه انتزاع معدن از ید او می‌گردد را چنین بر می‌شمارد:

- ۱- عدم رعایت مفاد قانون، این آیین‌نامه و دستورالعمل‌های صادره از سوی وزارت.
- ۲- تضییع و تخریب ذخایر معدنی به تشخیص وزارت.
- ۳- عدم رعایت آیین‌نامه ایمنی معادن.
- ۴- عدم بهره‌برداری و استخراج سالانه به مقدار تعیین نشده در طرح مصوب با رعایت مفاد این آیین‌نامه.

۵- عدم پرداخت حقوق دولتی در مهلت مقرر.

۶- عدم انجام سایر تعهدات ذکر شده در متن مجوز صادره.

نامه‌های اجرائی آن ذکر بیان شده است (ایمنی نسب، ۱۳۹۴: ۲۹).

اوصاف قرارداد بهره‌برداری از معدن

قرارداد بهره‌برداری از معدن، قراردادی لازم، قابل تمدید و قابل انتقال است. الحاقی و تشریفاتی بودن نیز، از اوصاف دیگر این قرارداد به شمار می‌رود.

قرارداد الحاقی

قرارداد الحاقی قرارداد نمونه‌ای است که به وسیله یکی از دو طرف، تنظیم شده و طرف دیگر بدان ملحق می‌شود، بدون اینکه امکان تغییر یا گفت‌وگو درباره شرایط قرارداد را داشته باشد. نمونه‌های فراوان قرارداد الحاقی را می‌توان در پیمان‌های کار در مؤسسه‌های بازرگانی و صنعتی بزرگ، استفاده از امتیاز آب و برق و تلفن، مسافرت و حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی، خرید از فروشگاه‌های بزرگ، استخدام کشوری و موارد دیگر مشاهده کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۳).

قراردادهای الحاقی دارای ویژگی‌هایی هستند که به واسطه آن‌ها از سایر قراردادها تمییز داده می‌شوند. از جمله این ویژگی‌ها داشتن قدرت برتر اقتصادی و انحصاری، ضروری بودن متعلق قرارداد و کتبی بودن را می‌توان برشمرد (شیروی، ۱۳۷۸: ۷۰).

بر اساس آنچه گفته شد قرارداد بهره‌برداری از معدن نیز نمونه‌ای از یک قرارداد الحاقی است بوده و با تعریف و ویژگی‌های این قراردادها مطابقت می‌کند؛ چرا که شرایط و احکام این قرارداد توسط یک طرف (دولت) مقرر می‌شود و بهره‌بردار، بدون اینکه امکان مناقشه داشته باشد بدان ملحق می‌شود. از سویی، یک طرف قرارداد یعنی دولت از موقعیت برتر اقتصادی و حاکمیتی برخوردار است. افزون بر این، شروط و مفاد قرارداد به صورت فرم نمونه و در قالب پروانه بهره‌برداری ارائه می‌شود.

تأکید بر این وصف بدان جهت است که نقش دولت در اعطای پروانه بهره‌برداری، وصف قراردادی آن را زایل نمی‌سازد؛ زیرا به اعتقاد اکثر حقوق‌دانان، قرارداد الحاقی مانند سایر قراردادها، از عقود محسوب می‌شود و امکان مناقشه و آزادی کامل طرفین و همچنین توازن و تساوی آن‌ها از لحاظ اقتصادی، از شرایط تحقق عقود نمی‌باشد؛ بلکه صرف توافق دو انشاء که در آن رضایت معاملی وجود داشته باشد، کافی است و منبع الزام کننده و مبنای حقوقی این قراردادها نیز همین توافق و رضایت طرفین است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۱؛ قافی، ۱۳۸۳: ۶۹).

قرارداد لازم

در قرارداد بهره‌برداری از معدن، یکی از مواردی که در

مزبور بوده و به همین جهت بر اساس بند (ج) ماده ۸۲ آن قانون ضرورت واگذاری معدن فوق‌الذکر از طریق مزایده و با انتشار آگهی تسجیل و تثبیت و اعلام شده و عدول از مقررات و ضوابط مذکور و واگذاری معدن فوق‌الاشعار با شرایطی که متضمن قطع و یقین در رعایت صرفه و صلاح دولت و بیت‌المال نبوده، و جاهت قانونی نداشته است، مصوبه مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۶ شورای اقتصاد مشعر بر واگذاری معدن مزبور از طریق ترک تشریفات مزایده خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورای مزبور تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد».

قرارداد قابل انتقال

در انتقال قرارداد، یکی از دو طرف، وضع حقوقی خود را اعم از حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد به دیگری انتقال می‌دهد و او را در این خصوص، قائم مقام خود می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۳/۲۹۲؛ مقدم، ۱۳۸۶: ۲۲۹)؛ در نتیجه انتقال قرارداد، یکی از طرفین عقد - که آن را طرف اصلی قرارداد می‌نامیم - ثابت باقی می‌ماند؛ اما شخص ثالثی جانشین طرف دیگر عقد می‌شود. مهم‌ترین اثر انتقال قرارداد نیز فی‌الواقع همین است که انتقال‌دهنده از رابطه حقوقی کنار رفته و انتقال گیرنده (منتقل‌آلیه)، قائم مقام خاص او در عقد از حیث کلیه حقوق و تعهدات می‌گردد؛ از طرف دیگر، با کنار رفتن انتقال‌دهنده، وی در خصوص کلیه تعهداتی که به عهده گرفته بود بری شده و همچنین دیگر از هیچ حقی برخوردار نمی‌گردد. (میرشکاری و نایبی، ۱۳۸۸: ۲۵).

در قرارداد بهره‌برداری از معدن نیز بهره‌بردار به هنگام انتقال پروانه این موقعیت قراردادی را که مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات است به منتقل‌آلیه منتقل می‌کند و خود از رابطه قراردادی حذف می‌شود. از این پس منتقل‌آلیه قائم مقام اوست و از حقوق و تکالیف او برخوردار می‌شود. بهره‌بردار نخست نیز که تاکنون طرف قرارداد بوده، به شخص ثالث تبدیل می‌شود. برای انتقال قرارداد، رضایت طرف قرارداد لازم است؛ چه یکی از تبعات اصل آزادی قراردادی، آزادی انتخاب طرف قرارداد می‌باشد. طرف اصلی قرارداد با اختیار، فردی را به‌عنوان طرف معامله با خود انتخاب کرده است؛ بنابراین تغییر این فرد نیز باید همراه به رضایت وی باشد. برخی از متون قانونی نیز همین برداشت را تقویت می‌کند. برای مثال ماده ۵۴۱ ق.م. در مزارعه، ماده ۵۴۵ در مساقات و ماده ۵۵۴ در مضاربه از مواردی است که در آن قانونگذار به لزوم رضایت اشاره دارد. (همان: ۲۴) برای همین، ماده ۴۷ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، تأکید می‌کند که انتقال پروانه بهره‌برداری منوط به موافقت وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌باشد؛ بنابراین هرگونه انتقالی بدون موافقت مرجع مذکور انجام شود از

قرارداد از جانب اوست.

اما حقیقت این است که این ماده در مقام بیان مواردی است که معدن از ید بهره‌بردار منتزع می‌شود؛ اما از انصراف بهره‌بردار نمی‌توان جایز بودن قرارداد بهره‌برداری را استنباط نمود. این انصراف به این معناست که بهره‌بردار از حقوق خود نسبت به بهره‌برداری گذشته می‌کند که در هر عقدی حتی عقود لازم نیز این‌گونه است. از طرفی، بر اساس تبصره ۲ ماده ۵۴ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، انصراف بهره‌بردار باید به تشخیص وزارت صنعت، معدن و تجارت پذیرفته شود و این خود نشان می‌دهد که انصراف بهره‌بردار، فسخ یک جانبه نیست؛ بلکه منوط به موافقت وزارت صنعت، معدن و تجارت (اقاله) است.

قرارداد تشریفاتی

اگر عقدی گذشته از شرایط اساسی مذکور در ماده ۱۹۰ قانون مدنی، تشریفات شکلی خاصی را لازم داشته باشد، آن عقد را تشریفاتی می‌گویند. این قبیل عقود، بدون تشریفات، اعتبار قانونی ندارند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۴۹؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

قرارداد بهره‌برداری را نیز باید از مصادیق قراردادهای تشریفاتی دانست. در واقع، قانون‌گذار برای آنکه از حفظ و تأمین مصالح عمومی جامعه مطمئن شود لازم می‌داند تا در واگذاری معادن، تشریفات ویژه‌ای رعایت شود؛ چنانکه در ماده موجب ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰ چنین آمده است: «بهره‌برداران از ذخایر معدنی بلامعارض به‌استثناء کاشفان فقط در مهلت مقرر در ماده (۷) از طریق مزایده... انتخاب می‌گردند». اهمیت رعایت مزایده به‌عنوان تشریفات انجام معامله و ارتباط آن با نظم عمومی جامعه و حفظ مصالح کلان تا آنجاست که باید گفت در صورت عدم برگزاری مزایده، معامله‌ای واقع نشده است. (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۶۶؛ طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۹۰، ۳۶۷؛ امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۱: ۲/۱۶۵).

رویه قضایی نیز با این باور همراه است. چنانکه در رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری^{۲۷} چنین مقرر شد: «به‌صراحت ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ کلیه معاملات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اعم از خرید و فروش و اجاره و استجاره و پیمانکاری و اجرت کار و غیره جز در موارد مستثنا شده در قانون حسب مورد باید از طریق مناقصه یا مزایده و با رعایت تشریفات و شرایط قانونی مربوط انجام شود. نظر به اینکه واگذاری معدن سرب و روی انگوران واقع در ۱۲۷ کیلومتری غرب شهرستان زنجان به‌منظور استخراج و بهره‌برداری از ماده معدنی سرب و روی آن از نوع معاملات عمده دولتی موضوع بند (ج) ماده ۸۰ قانون

۲۷. رأی شماره ۳۶۸/۸۱ پرونده کلاسه ۸۰/۲۵۱ به تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۵.

نظر این نهاد فاقد اعتبار است و انتقال دهنده در مقابل مقام مذکور مسئول خواهد بود.

لزوم موافقت نهاد مربوطه در سایر کشورها نیز دیده می‌شود. چنانکه در کانادا انتقال قرارداد با موافقت وزارت خانه مربوطه امکان پذیر است. به جز استان بریتیش کلمبیا که نیازی به موافقت وزارتخانه ندارد (Davies, ۲۰۱۱: ۳۵) همچنین در مصر، به موجب ماده ۱۵ قانون معادن این کشور، انتقال پروانه به غیر، حسب مورد با تأیید وزیر مربوطه یا استاندار امکان پذیر است.^{۲۸}

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اهمیت بخش معدن، پرداختن به قراردادهای مناسب این بخش ضرورت دارد. در حوزه معادن فعالیت‌های مختلفی صورت می‌گیرد؛ اما بدون شک «بهره‌برداری» مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. انجام عملیات بهره‌برداری با انعقاد قراردادی بین دولت و متقاضی بهره‌برداری صورت می‌پذیرد. از بررسی و مذاکره در قرارداد بهره‌برداری از معدن و با ملاحظه اصول و مبانی حقوقی، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱- با مقایسه قرارداد بهره‌برداری از معدن با عقود مشابه، دیدیم که انطباق این قرارداد با هر یک از عقود معین با ایراداتی روبروست. بدین دلیل که عقود به ظاهر مشابه، دارای خصایصی کاملاً متفاوت از این قرارداد هستند. قانون‌گذار اگرچه از واگذاری بهره‌برداری معادن با عنوان حق انتفاع تعبیر کرده است؛ اما بر آن اشکالات جدی وارد است؛ بنابراین با رد هرگونه قالب عقود معین و نظر به این که شرایط و آثار این قرارداد در قانون معادن و آیین‌نامه‌های اجرائی آن ذکر بیان شده است، می‌بایست ماهیتی مستقل برای آن قائل شد.

۲- در بررسی لزوم و جواز قرارداد بهره‌برداری معادن، باید گفت که این قرارداد، قراردادی لازم است و از این جهت، طرفین به‌ویژه دولت نمی‌تواند به‌صورت یک‌جانبه و بدون دلایل قانونی آن را فسخ کند. این امر با توجه به حجم سنگین سرمایه‌گذاری در این قرارداد نقش بسزایی دارد چرا که فسخ یک طرفه قرارداد منشأ ایجاد دعاوی سنگین خواهد بود.

۳- با ملاحظه مالکیت عمومی معادن و نقش و دخالت ویژه دولت در انعقاد قرارداد بهره‌برداری از معدن، می‌توان این قرارداد را در زمره قراردادهای اداری و قراردادهای الحاقی دانست.

۴- لزوم برگزاری مزایده، قرارداد بهره‌برداری از معدن را در گروه عقود تشریفاتی قرار می‌دهد.

۵- به دلیل آمرانه بودن تشریفات شکلی و ضرورت حفظ منافع عمومی، ضمانت اجرای عدم رعایت شرایط شکلی قرارداد بهره‌برداری از معدن، «بطالان» قرارداد

۲۸. قانون الثروة المعدنية رقم ۱۹۸ سنة ۲۰۱۴

است.

۶- حق بهره‌برداری حاصل از قرارداد بهره‌برداری از معدن با موافقت وزارت صنعت و معدن قابل انتقال به شخص ثالث است. بهره‌بردار با انتقال پروانه، موقعیت قراردادی خود را که مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات است به منتقل‌الیه منتقل می‌کند و خود او از این رابطه قراردادی حذف می‌شود.

منابع

- آبی، فاضل (۱۴۱۷). کشف الرموز فی شرح مختصر النافع. جلد ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- آل عصفور بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة. جلد ۱۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- اسلامی پناه، علی (۱۳۸۲). «تعهدات آگاهانه در قراردادهای واگذاری معادن». مجله پژوهش‌های حقوقی. شماره ۲. صص ۱۱-۳۳.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). کتاب الخمس. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- امامی، محمد؛ استوار سنگری، کورش (۱۳۹۱). حقوق اداری. جلد ۲. تهران: نشر میزان.
- امانی، مسعود (۱۳۸۹). حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- امینی نسب، حمزه (۱۳۹۴). «ماهیت، شرایط و آثار قرارداد بهره‌برداری از معدن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- انصاری، ولی الله (۱۳۸۷). حقوق قراردادهای اداری. تهران: نشر حقوقدان.
- بصری بحرانی، زین‌الدین محمدامین (۱۴۰۴). کلمة‌التقوی. جلد ۵. قم: بی‌ج.
- بوعالم، بن جلال (۱۳۸۹). الگوی عملیاتی عقد جعالة با تأکید بر بخش معدن. ترجمه مهدی صادقی و دیگران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰). حقوق تعهدات و قراردادهای با مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی و نظام‌های حقوقی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- حائری، سید علی بن محمد طباطبائی (۱۴۱۸). ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالادلة. قم: مؤسسه آل‌البیته علیهم‌السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. جلد ۹. قم: مؤسسه آل‌البیته.
- حکیم، سید محسن (۱۴۱۶). مستمسک العروة الوثقی. جلد ۹. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰). السرائر الحواری لتحریر الفتاوی. جلد ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- حلی، ابن فهد (۱۴۰۷). المذهب البارع فی شرح مختصر النافع. جلد ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۲۰). تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه. جلد ۱. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- (۱۴۲۰). تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه. جلد ۴. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- (۱۳۸۸). تذکره الفقهاء (الطبعة القديمة). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- (۱۴۱۳). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام. جلد ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۴۱۳). مختلف الشیعة فی احکام الشریعة. جلد ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۴۱۲). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. جلد ۸. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۷). المعتبر فی شرح المختصر. جلد ۲. قم: مؤسسه سید الشهداء.
- (۱۴۰۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. جلد ۱. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- (۱۴۱۸). المختصر النافع فی فقه الإمامیه. جلد ۱. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
- حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵). الجامع للشرائع. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیة.
- خمینی، موسوی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسیلة. جلد ۱. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- (۱۳۸۵). صحیفه امام خمینی. جلد ۲۰. تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی.
- خوانساری، احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. جلد ۲. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خوئی، ابوالقاسم (بی تا). المستند فی شرح العروة الوثقی. بی جا.
- سبزواری، محقق، محمدباقر (۱۴۲۳). کفایة الاحکام. جلد ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شهبسوار، ساعد؛ میرشکاری، عباس (۱۳۸۹). قانون معادن در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر رهپویان خرد.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۷۸). «نقش قراردادهای استاندارد (نمونه) در حقوق تجارت بین الملل و مقایسه آن با قراردادهای الحاقی در حقوق داخلی». مجله مجتمع آموزش عالی قم. شماره دوم. صص ۶۱-۷۶.
- صدر، محمد باقر (۱۴۱۷). اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- (۱۴۰۳). الإسلام یقود الحیاة. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۰). حقوق اداری. تهران: انتشارات سمت.
- طرابلسی، ابن براج (قاضی عبدالعزیز) (۱۴۰۶). المذهب. جلد ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیه. جلد ۳. تهران: المكتبة المرتضویة لإحیاء
- الأثار الجعفریة. بیروت: دارالکتب العربیة.
- (۱۴۰۰). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. عاملی، بهاءالدین (شیخ بهائی). (۱۴۲۹). جامع عباسی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۲). بیان. قم: نشر محقق.
- (۱۴۱۷). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه. جلد ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۴۱۰). اللعنة الدمشقیة فی فقه الإمامیه. بیروت: دارالتراث.
- عاملی، (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضة البهیة فی شرح اللعنة الدمشقیة (المحشی - کلاکتر). جلد ۷. بی جا: انتشارات داورى.
- عاملی کرکی (محقق ثانی). علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد. جلد ۷. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- فیض کاشانی، محمدحسن (۱۴۲۶). مفاتیح الشرائع. جلد ۳. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- قافی، حسین (۱۳۸۳). «ماهیت و میزان اعتبار قرارداد الحاقی». فصلنامه فقه و حقوق. شماره دوم. صص ۶۱-۸۸. قانون رقم ۶۶ لسنة ۱۹۵۳ خاص بالمناجم و المحاجر. جمهوریة مصر العربیة. الوقائع المصریة. العدد ۱۶ مکرر فی ۱۹ فبرایر. سنه ۱۹۵۳.
- قانون رقم ۸۶ لسنة ۱۹۵۶ خاص بالمناجم و المحاجر. جمهوریة مصر العربیة. الوقائع المصریة. العدد ۲۲ مکرر (أ) فی ۱۵ مارس ۱۹۵۶.
- قانون الثروة المعدنیة رقم ۱۹۸ لسنة ۲۰۱۴ جمهوریة مصر العربیة. الجریدة الرسمیة. العدد ۴۹ مکرر (أ). فی ۹ ديسمبر. سنه ۲۰۱۴.
- قمی، سید صادق حسینی روحانی (۱۴۱۲). فقه الصادق علیه السلام. جلد ۷. قم: دارالکتب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). اعمال حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- (۱۳۸۷). اموال و مالکیت. تهران: نشر میزان.
- (۱۳۸۳). قواعد عمومی قراردادها. جلد ۳. چاپ چهارم. شرکت سهامی انتشار.
- (۱۳۷۸). «طبیعت قراردادهای الحاقی». مجله مجتمع آموزش عالی قم. شماره اول. صص ۱۷-۲۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). اصول من الکافی. جلد ۱. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کنعانی، محمد طاهر (۱۳۸۹). «حق بهره برداری از معادن». فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۰. شماره سوم. صص ۲۷۷-۲۹۶.
- مظفر، محمود بن حسن (۱۳۹۲). إحياء الأراضي الموات. قاهره: المطبعة العالمیة.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مقدم، عیسی (۱۳۸۶). «انتقال قرارداد». فصلنامه

(LLP), 2011.

Richer, Erik, the Mining Law Review, Second Edition, Published in the United Kingdom-London: Law Business Research Ltd, 2013.

ashurst (Australia's global law firm), mining in Australia, an introduction for investors, melbourn: ashurst, 2013.

H. Chambers, Robin, an Overview of the Australian Legal Framework for Mining Projects in Australia, 2005

Environmental Defender's Office of Western Australia (Inc.), mining law - fact sheet 36, 2011.

<http://encyclopedia2.thefreedictionary.com/mining+lease> (5/6/94 (آخرين مشاهدته: 5/6/94))

<http://definitions.uslegal.com/m/mineral-lease> (5/6/94 (آخرين مشاهدته: 5/6/94))

[http://www.merriam-webster.com/dictionary/mining lease](http://www.merriam-webster.com/dictionary/mining%20lease) (94/6/5 (آخرين مشاهدته: 94/6/5))

حقوق. دوره ٣٧. شماره ٤. صص ٢٢٩-٢٤٢.

مكارم شيرازى، ناصر (١٤١٦). انوار الفقاهة كتاب الخمس و الأنفال. قم: انتشارات مدرسة الامام على.

منتظري، حسينعلی (١٤٠٩). دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية. جلد ٣. قم: نشر تفكر.

----- (١٤٠٩). دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية. جلد ٤. قم: نشر تفكر.

----- (بى تا). كتاب الخمس و الأنفال. قم: بى جا. نايبي، ناصر؛ ميرشكارى، عباس (١٣٨٨). «بررسى حقوقى سند تفويض وكالت و آثار آن». ماهنامه كانون.

شماره ١٠٠. صص ٢٠-٣٤.

نجفى، محمدحسن (١٤٠٤). جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام. جلد ٣٨. بيروت: دار إحياء التراث العربى.

نجفى، جعفر (١٤٢٢). كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء. جلد ٤. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى.

نراقى، احمد (١٤١٥). مستند الشيعة فى احكام الشريعة. جلد ١٠. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

Davies, investor's guide to mining in Canada, Canada: Davies limited liability partnership